

... کم کسی اندر توکل ماهر است!

عنوان فوق برگرفته از گفتگویی تمثیلی میان روباه و خر درباره قسمت رزق یا ضرورت تلاش و توکل است که چند بیت زیر از آن قصه می‌باشد:

بی‌کلید این درگشادن راه نیست	بی‌طلب نان سنت الله نیست
گفت از ضعف توکل باشد آن	ورنه بدهد نان کسی که داد جان
رزق آید پیش هر که صبر جست	رنج کوششها زبی صبری توست
گفت روبه آن توکل نادر است	کم کسی اندر توکل ماهر است (مثنوی مولوی دفتر ۵ بخش ۹۸)

حافظ نیز صد هنر داشتن بدون «توکل» را کافر می‌شمرد:

تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافر است رهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش
گویای گوهرهای ارزشی گردنبندی را تشکیل می‌دهند که حذف هر مروارید آن منظومه را ناقص می‌کند.

سعدی نیز ایمان، اسلام، معرفت، توکل و دین را در همین ارتباط می‌دید:

چه ایمانی بود که به حبه قلب بفروشی؟

چه اسلامی بود که به رجحان ترازویی واگذاری؟

چه معرفتی بود که به دروسری سنگ بر آسمان اندازی؟

چه توکلی بود که به لقمه‌ای او را باور نداری؟

چه دینی بود که به ثنای ظالمی یا به درمی حرام برباد دهی؟

تنها توکل نیست که هنرمندی و همت نیاز دارد، «شکر» نیز اگر به زبان بسنده شود و به عمل نیاید ابتر می‌ماند. فرمان خدا به «آل داود» که وارث تمدن توسعه یافته سرزمین سبا، همراه آبادی، آزادی، امنیت و آسایش بودند، شکر عملی، یعنی بهره برداری بهینه در راه حق از این نعمات بود که چه قلیل اند بندگان شکور خدا:

سبا ۱۳ - «...اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ»

توکل و تنبل پروری

بدفهمی توکل ممکن است منجر به تنبلی و تن پروری و امید خام به رزق مقدر الهی گردد، این سوء برداشت از گذشته مورد توجه عالمان و عارفان بوده و کاهلان را از این خوش خیالی‌ها هشدار داده‌اند. سعدی با آنکه اشعری مشرب و تقدیرگرا بود، در حکایت تمثیلی «درویش و روباه»، بدفهمی درویش از مشاهده روزی رسانی خدا به روباهی بی دست و پای از بازمانده شکار شیر را محکوم می‌کند:

برو شیر درنده باش ای دغل مپندار خود را چو روباه شل

این حقیقت را که توکل به دنبال عمل می‌آید در مثنوی مولوی می‌بینید:

گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر ببند

رمز «الکاسب حبیب‌الله» شنو از توکل در «سبب» کاهل مشو

توکل در دنیای مدرن

عربی و دینی بودن لفظ توکل، ما را از معجزه کاربرد آن برای درمان نگرانی‌ها و اضطراب‌های زندگی غافل ساخته است؛ تکیه‌گاه اکثر مردم بر حساب بانکی، اموال، اولاد، امکانات و ارتباطات با اشخاص ثروتمند و قدرتمند است، با این حال احساس آرامش و خوشبختی حاصل نمی‌شود و به‌رغم تکیه گاه‌های مادی، روز به روز احساس تنهایی و تشویش بیشتری، به خصوص در بحران‌هایی همچون بیماری‌های فراگیر می‌کنیم.

اشکال اصلی در بیرونی بودن این تکیه‌گاه‌ها است ما به آرامش درونی نیاز داریم که تنها باور به آن زنده جاوید و برپا دارنده (حیّ قیوم) این آرامش حاصل می‌شود. آنچنان که فرمود: دل آرام گیرد به یاد خدای. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد ۲۸).

کسی که وکیل می‌گیرد، خیالش آسوده می‌گردد که کار را به کار دان سپرده و اضطراب را از خود دور می‌کند. ممکن است در نهایت به نتیجه مطلوب نرسد، اما در آن مدت امیدوار و آرام است، چرا که خدا همواره زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد (فرقان ۵۸)، همه امور جهان به او برمی‌گردد (هود ۱۲۳)، وکیلی است ابرقدرت، مهربان و حکیم (شعراء ۲۱۷ و انفال ۴۹) که نه تنها مزدی نمی‌طلند، بلکه وکالت دهنده را دوست دارد (آل عمران ۱۵۹). «توکل» کردن مثل: وکیل گرفتن، وکالت دادن و توکل و اتکال و ... نوعی سپردن، حواله دادن و واگذاری کار به خداست.

توکل که با مشتقانش ۷۰ بار در قرآن تکرار شده، این عدد معنایی نمادین دارد و دلالت بر کثرت و کمال می‌کند (اعراف ۱۵۵، توبه ۸۰ و حاقه ۳۲) و جملات: «کفی بالله وکیلاً/ هو علی کل شیء وکیل/ حسبی الله/ حسبنا الله و نعم الوکیل و...» بارها در قرآن تکرار شده است.

چه موقعی باید توکل کرد؟

در مواقع عادی معمولاً هرکسی با عقل و فهم منافع و مصالح خود را می‌سنجد و با اطمینان و آرامش عمل می‌کند، توکل آنگاه ضرورت پیدا می‌کند که نگرانی و اضطرابی از عواقب کار پدید می‌آید و خواب و بیداری شخص را فرا می‌گیرد. اینجاست که توکل به نسبت مهارت فرد معجزه می‌آفریند و آبی بر آتش اضطراب می‌ریزد.

موفقیت در بسیاری از امور، معمولاً به عوامل متعددی ارتباط پیدا می‌کند که اراده و عمل ما جزئی از آنهاست، برآیند بردارهای متعدد است که ما را به جلو و بعضاً به عقب می‌راند. ملت‌های بسیاری برای آزادی و استقلال انقلاب می‌کنند، ولی هر انقلابی بر حسب شرایط پیچیده داخلی و خارجی، نوع و اکنش حاکمان و مقتضیات زمانی و مکانی متفاوت، پیروز یا سرکوب می‌شود.

آنچه نزد خدا و وجدان انسان مهم است، انجام وظیفه و تلاش لازم برای موفقیت است، نتیجه نهایی در اختیار ما نیست که اگر به آن نرسیدیم غم بخوریم. غم و شادی‌ها باید به کار خودمان و نقشی که ایفا کرده‌ایم برگردد.

باغ سبز عشق کو بی منتهاست جز غم و شادی در آن بس میوه هاست.

رسیدن به این مقام نیازمند همان توکل است که امید می‌آفریند و هر دو حالت را در صورت انجام وظیفه پیروزی می‌یابد. همین باور ایمانی بود که مسلمانان نخستین در نبرد بامتجازان می‌گفتند: بر ما جز آنچه خدا بر ما نوشته نخواهد رسید، او مولای ماست و مومنان باید بر او توکل کنند، بگو: اما شما آیا جز یکی از دو نکویی (پیروزی یا شهادت) را بر ما انتظار می‌کشید؟

توبه ۵۱ و ۵۲ - «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ، قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ...»

خداوند پیامبرش را نیز بی خبر از سرانجام رسالتش گذاشته و در تعبیری که به گونه‌های مختلف ۵ بار در قرآن تکرار شده فرموده: «شاید بعضی از آنچه آنان (منکران) را بیم دادیم به تو (در حیات) بنماییم، یا (پیش از آن) تو را بمیرانیم (در هر حال تضمینی برای پیروزی در حیات تو نیست) تنها وظیفه تو ابلاغ است و حساب با ماست (رعد ۴۰ و نیز: یونس ۴۶، غافر ۷۷، مومنون ۹۵ و زخرف ۴۲).

توکل بر خدا معامله‌ای است که به جای بُرد و باخت، همواره «بُرد بُرد» است! از این روی جمله «لَاخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند) ۱۴ بار در قرآن تکرار شده است.

در چه موضوعاتی بیشتر باید توکل کرد؟

پاسخ روشن است؛ در آنچه نگرانی‌آور و نیازمند صبر و تحمل بیشتر باشد، از اختلافات خانوادگی گرفته تا مقابله با دشمنان. توکل کار انسانهای سست اراده نیست، پیامبران بیش از همه در برابر آزار منکران صبر و توکل می‌کردند. آیات زیر گزینشی از آنهاست:

(نوح)

۱۰/۷۱ - «وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذِكْرِي بآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُون»
 و (ای پیامبر) خیر مهم (سرگذشت مهم) نوح را بر آنان بخوان، آنگاه که به قوم خود گفت: ای قوم من! اگر مقام من (موضع توحیدی من) و بیدارگری‌هایم به آیات خدا بر شما گران می‌آید (و قصد جانم دارید، بدانید که) من بر خدا توکل کرده‌ام (باکی از تهدید و توطئه‌های شما ندارم)، پس تصمیم خویش به اتفاق شریکان‌تان (اربابان و معبودهایتان) بگیرید تا پس از آن کارتان بر شما پوشیده نماند (نقشه‌تان را روشن و حساب شده عملی سازید تا بعداً پشیمان نشوید)، سپس کارم را بسازید (توطئه خود را عملی سازید) و مهلت هم ندهید.

(ابراهیم)

۶۰/۴ - «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»
 به‌شک برای شما در (روش) ابراهیم و همراهانش (با دشمنان) سرمشوئی نیکو است، آنگاه که به قوم (بت پرست) خود گفتند: ما از شما و از آنچه (اصنامی که) به غیر از خدا (به یاری) می‌خوانید میرا هستیم؛ (عقاید و اعمال) شما را نمی‌پذیریم و میان ما و شما (به دلیل این تعارض) برای همیشه دشمنی و کینه پدید آمده است، مگر آن که یکتایی خدا را باور کنید. (این شیوه ابراهیم بود) به استثناء سخن ابراهیم به پدرش که (وعده داده بود) حتماً برای تو آمرزش خواهم خواست و (لی) در برابر خدا هیچ اختیاری به سود تو ندارم. پروردگارا، بر تو توکل کرده‌ایم و به پیشگاه تو باز آمده‌ایم (توبه کرده‌ایم) و سیر نهایی (سرانجام تحولات) به سوی تو است.

(يعقوب)

۱۲/۶۷ - «وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ»
 و (يعقوب) گفت؛ ای فرزندانم، از یک در وارد نشوید، بلکه از درهای متفرقی وارد شوید و (با این حال) من شما را به هیچ وجه از (توکل به) خدا بی‌نیاز نمی‌کنم، حکم جز از خدا نیست، بر او توکل کردم و توکل کنندگان نیز همواره به او توکل میکنند.

(هود)

۱۱/۵۶ - «إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِن دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِن رَّبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ»
 من به خدایی که رب من و رب شماست توکل کردم، جنبنده‌ای نیست مگر آنکه او گیرنده پیشانی (مرکز اراده و تصمیم‌گیری) اوست، مسلماً صاحب اختیار من بر راهی مستقیم است

(شعيب)

۱۱/۸۸ - «...وَمَا أَرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَاطُمْ عَنْهُ إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَنْطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ»
 من در آنچه نهی‌تان می‌کنم، قصد مخالفت با شما را ندارم، قصد من جز اصلاح نیست، (البته) تا جایی که بتوانم، و توفیق نیز جز به (خواست) خدا نیست، بر او توکل کرده‌ام و به سوی او باز می‌گردم.

(موسى)

۱۰/۸۴ - «وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُّسْلِمِينَ. فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. وَجَعَلْنَا بَرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»
 و موسی گفت: ای قوم من، اگر (واقعاً) به خدا ایمان آورده‌اید، پس به او توکل کنید اگر (به راستی) تسلیم شده (به فرمان خدا) هستید.

(پیامبر اسلام)

۱۳/۳۰ - «... قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابُ»
 ... بگو: (خدایی که به الوهیت او باور دارید) همو صاحب اختیار و ارباب من (نیز) است، معبودی جز او نیست، من تنها بر او توکل کرده‌ام و بازگشتم نیز به سوی اوست.

۴۲/۱۰ - «وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ»

در هر آنچه اختلاف کرده‌اید، داوریش (ارجاع به) سوی خداست. این است خدایی که صاحب اختیار من است، (بنابراین) بر او توکل کرده‌ام و (پس از هر خطا و اشتباهی) به سوی او باز می‌گردم.

۶۷/۲۹ - «قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَنًا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسْتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»

بگو: او رحمان است؛ به او ایمان آورده و بر او توکل کرده‌ایم. پس به زودی خواهید فهمید چه کسی در گمراهی آشکاری است.

(همه رسولان)

۱۴/۱۲ - «وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ. وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ»

و چرا بر خدا توکل نکنیم، حال آنکه ما را به راهها (سعادت) مان رهبری کرده است؟ و (در این راه) مسلماً بر آزاری که ما را می‌دهید، شکیبایی (مقاومت) خواهیم کرد، و اهل توکل باید تنها بر خدا توکل کنند.

توکل در پذیرش صلح پیشنهادی دشمن

انفال ۶۱ و ۶۲ - «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»

و اگر (دشمن) به صلح تمایل نشان دادند، تو نیز تمایل نشان ده و به خدا توکل کن که مسلماً او همان شنوای داناست. و اگر هم بخواهند (با پیشنهاد صلح) فریبت دهند، (نگران مباش) خدا تو را کافی است، اوست همان که تو را (پیشتر) به یاری خویش و (حمایت) مؤمنان نیرومند ساخت.

توکل در مشورت با دیگران

آل عمران ۱۵۹ - «فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَيْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»

پس به (لطف و جاذبه) رحمتی (ویژه) از جانب خدا بود که بر ایشان (تخلف‌کنندگان در جنگ) نرم شدی و اگر خشن و سخت دل بودی، بی‌گمان از پیرامونت پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کارها با آنها مشورت کن. پس هرگاه (بر اساس شوری) تصمیم گرفتی، به خدا توکل کن (نگران نتیجه رای ناپخته آنان مباش) که مسلماً خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد.

توکل در آزادی دادن به مخالفین

نساء ۸۰ و ۸۱ - «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا، وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِدِكَ بيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَخْتَبُ مَا يَبْخُونُ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا»

هرکس از رسول اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده و هرکه روی گرداند، پس (بدان که) ترا نفرستاده‌ایم تا محافظ مردم باشی. و (در حضور تو) اظهار فرمانبرداری (برای مشارکت در جهاد) می‌کنند، با این حال وقتی از نزد تو بیرون می‌آیند، گروهی از آنها خلاف آنچه (از ضرورت همبستگی علیه تجاوز دشمن) می‌گویی، نقشه شبانه (مخفیانه) می‌کشند. و خدا آنچه را شبانه توطنه می‌کنند ثبت می‌کند. پس (با این وجود) درگیرشان مشو و به خدا توکل کن که خدا در وکالت کفایت می‌کند.

توکل در اختلافات زناشویی و طلاق

طلاق ۱ تا ۳ - «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِغَائِبَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا؛ فَإِذَا بَلَغَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»

ای پیامبر، (به مؤمنین بگو)، هرگاه زنان را طلاق دهید (بدانید جدایی تصمیمی آنی نیست، بلکه باید) آنها را تا سررسید عده‌شان (طی دوران حداقل سه ماه) طلاق دهید و حساب عده (روزهای پس از تصمیم طلاق) را نگه دارید و از خدای صاحب اختیاران پروا داشته باشید؛ نه شما (در این مدت حق دارید) آنها را از خانه‌هایشان بیرون کنید، و نه آنها (در دوران عده) خانه را ترک کنند، مگر آنکه به بی‌شرمی آشکاری (مثل فحاشی و رفتاری زشت) دست زده باشند. این مرز و محدوده (مقررات) الهی است و هر کس از این محدوده تجاوز کند به خودش ستم کرده است. تو چه دانی! شاید پس از این (جدایی موقت سه ماهه) خدا گشایشی (برای صلح و آشتی) پدید آورد (هدف از وضع مقررات دوران عده، رجوع مجدد است). پس چون به سرآمدشان (پایان سه ماه) رسیدند، یا به شایستگی (مطابق عرف نیکوی زمانه) نگاهشان دارید و یا به شایستگی (با نیکویی و بدون خاطره بد) از آنان جدا شوید. و (هنگام طلاق) دو فرد عادل از خودتان را گواه بگیرید و گواهی را برای (رضای) خدا بپا دارید. به این هشدارها کسی اندرز می‌پذیرد که به خدا و روز واپسین باور داشته باشد و هر که از خدا پروا کند (بر نفس خود تسلط داشته باشد)، راه خروجی (از تنگنای زندگی زناشویی) برایش می‌گشاید.

شیطان را بر توکل کنندگان تسلطی نیست

نحل ۹۸ تا ۱۰۰ - «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَكَّلُونَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ»
پس هرگاه قرآن بخوانی، از (شرّ و سوسه‌های) شیطان رانده شده (از رحمت حق) به خدا پناه ببر. البته او را تسلطی بر کسانی که ایمان آورده و به پروردگارشان توکل کرده‌اند نیست. تسلط او تنها بر کسانی است که او را به ولایت (دوستی و سرپرستی) گرفته‌اند و نیز کسانی که به خدا شرک می‌ورزند.

توکل با صبر و مقاومت

عنکبوت ۵۹ - «...بِعَمَلِ الْجُرِّ الْعَامِلِينَ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»
... و چه نیکوست پاداش عمل کنندگان، همانان که (در سختی‌های راه ایمان) شکیبایی ورزیدند و به پروردگارشان توکل می‌کنند.

نحل ۴۱ و ۴۲ - «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَآئِجُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»
و آنهایی را که پس از ستم دیدن (از مشرکین مکه) در راه خدا هجرت کردند مسلماً در دنیا جایگاهی نیکو می‌دهیم و پاداش آخرت، اگر بدانند، مسلماً بزرگتر است. همانان که (در برابر شکنجه‌ها) شکیبایی ورزیدند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

ارتباط توکل با آگاهی

اسراء ۲ - «وَأَنبِئْنَا مُوسَى الْكَتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكِيلاً»
و به موسی کتاب (تورات) بخشیدیم و آن را راهبردی برای بنی‌اسرائیل قرار دادیم (و با معارف توحیدی همدارشان دادیم) تا هرگز سوای من و کیلی (کارگزار و تکیه‌گاه) نگیرید.

دعای ۲۱۷ نهج البلاغه در توکل به خدا

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْسُ الْإِنْسِينَ لِأَوْلِيَائِكَ، وَ أَحْضَرُهُمْ بِالْكَفَايَةِ لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ»
بار خدایا، تو برای عاشقانت بهترین مونس و برای رسیدگی به توکل کنندگان به تو از همه حاضرتری،
«تُشَاهِدُهُمْ فِي سَرَائِرِهِمْ، وَ تَطَّلِعُ عَلَيْهِمْ فِي ضَمَائِرِهِمْ، وَ تَعْلَمُ مَبْلَغَ بَصَائِرِهِمْ. فَاسْرَأْرُهُمْ لَكَ مَكْشُوفَةٌ، وَ قُلُوبُهُمْ إِلَيْكَ مَلْهُوفَةٌ»
آنان را در باطنشان مشاهده می‌کنی، و به نهان‌هایشان آگاهی، و اندازه بصیرتشان را می‌دانی. پس رازهایشان نزد تو آشکار و دل‌هایشان به سوی تو در افسوس (از دوری) است.

«إِنَّ أَوْحَشَهُمُ الْعُرْبَةَ أَنْسَهُمْ ذِكْرُكَ، وَإِنْ صَبَّتْ عَلَيْهِمُ الْمَصَائِبُ لَجَأُوا إِلَى الْأَسْتِجَارَةِ بِكَ، عِلْمًا بِأَنَّ أَرْمَةَ الْأُمُورِ بِيَدِكَ، وَ مَصَادِرُهَا عَنْ قَضَائِكَ»
اگر تنهایی آنان را افسرده کند، یاد تو مونسشان شود، و اگر سیل مصیبت‌ها بر آنان ببارد، به تو پناه می‌جویند، چون می‌دانند که زمام همه امور به دست تو و سرچشمه تمام کارها از قضای توست

«اللَّهُمَّ إِنَّ فَهْمَتُ عَنْ مَسْأَلَتِي، أَوْ عَمِيَّتُ عَنْ طَلِبَتِي، فَذُلُّنِي عَلَى مَصَالِحِي، وَ خُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَرَاثِدِي، فَلَيْسَ ذَلِكَ بِنُكْرٍ مِنْ هِدَايَاتِكَ، وَ لَا يَبْذَعُ مِنْ كِفَايَاتِكَ. اللَّهُمَّ احْمَلْنِي عَلَى عَفْوِكَ، وَ لَا تَحْمِلْنِي عَلَى عَدْلِكَ»
الهی، اگر از بیان درخواستم در مانده و ناتوانم، یا از اینکه چه بخواهم سرگردانم، پس خودت مرا به مصلحتم راهنمایی کن، و عنان دلم را به سوی آنچه خیر من است بگردان، که اجابت این درخواست‌ها از هدایتها و کفایت‌های تو بیگانه و عجیب نیست.
بار خدایا، با عفو با من معامله کن نه با عدالت.